

بررسی عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در صنعت نفت و گاز ایران

سید سجاد بادام  دانشگاه علامه طباطبائی

صادق رنجبر، مهدی رستمی  دانشگاه صنعت نفت

چکیده

سرمایه‌گذاری متغیری بسیار کلیدی در هر اقتصادی است به طوری که بدون وجود سرمایه‌گذاری، امکان رشد اقتصادی برای کشور وجود ندارد. هر چند موضوع سرمایه‌گذاری برای تمامی بخش‌های اقتصادی پر اهمیت است، اما در بخش صنعت نفت و گاز به دلیل استراتژیک بودن و نیاز به تکنولوژی بالا و به دلیل احتیاج به حجم زیادی از سرمایه‌گذاری، این موضوع اهمیت بیشتری می‌یابد. با توجه به اینکه در مورد جذب سرمایه‌گذاری توافق متمرکز و کاملی بین اقتصاددانان وجود ندارد، لازم است که متغیرهایی به عنوان معیارهای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) معرفی شود. در این مقاله، پس از ارائه تعاریف و دلایل مهم بودن استفاده از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، معیارهای اصلی به سه دسته کلی به همراه بیان مزایا و شرایط، تقسیم می‌شود. نتایج مطالعه نشان داد جذب و بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) مستلزم ایجاد شرایط و زمینه‌های لازم بر اساس معیارهای سه گانه مذکور است. همچنین، نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد، سرمایه‌گذاری خارجی روشی مفید و سودمند برای رشد و توسعه صنعت نفت و گاز کشورهاست، اما به دلیل محدودیت‌ها و موانع اقتصادی و سیاسی و حقوقی موجود، استفاده مناسب از این ابزار صورت نگرفته است. لذا پیشنهاد می‌شود با حرکت به سمت ارتقای عوامل ذکر شده، خلاء ناشی از کمبود سرمایه‌گذاری موردنیاز برای صنعت نفت و گاز کشور از محل جذب سرمایه‌های خارجی جبران شود.

واژگان کلیدی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، صنعت نفت و گاز ایران، معیار جذب سرمایه

مقدمه

صنعت نفت و گاز یکی از مهمترین بخش‌های اقتصادی برای کشورهای صادرکننده نفت و به ویژه کشورهای است که اقتصاد آن‌ها بر پایه‌ی نفت فعالیت می‌کند. لازمی داشتن یک صنعت نفت پویا، تأمین سرمایه‌ی لازم برای فعالیت، رشد و توسعه مناسب در همه‌ی بخش‌ها می‌باشد. سرمایه‌گذاری متغیری بسیار کلیدی در اقتصاد است، به طوری که هم در طرف عرضه و هم در طرف تقاضا و هم در پویایی رشد هر اقتصاد، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. در مورد عوامل موثر در جذب و رشد سرمایه‌گذاری، توافق و اجماع متمرکزی وجود ندارد؛ بعضی، سرمایه‌گذاری را تابع نرخ بهره می‌دانند و بعضی دیگر، انتظارات و اعتماد به کسب و کار و چرخه‌های تجاری را عامل

تعیین کننده‌ی سرمایه‌گذاری معرفی می‌کنند و بالاخره بعضی نیز، سیاست‌های مالیاتی و سطح درآمد کل را بر سرمایه‌گذاری موثر می‌دانند. لذا، نظریه پردازان نتوانسته‌اند در این مورد به نظریه‌ای جامع دست یابند که بتواند با دقت زیاد واقعیت‌های بیرونی را توضیح دهد [۳].

در بسیاری از کشورها، شرکت ملی نفت این حق انتخاب را دارد که سرمایه‌گذاری موردنیاز برای فعالیتش را از محل سهم فروش تولیدات نفت و گاز تأمین کند. اما به دلیل آنکه بخش نفت و گاز، نسبت به بخش‌های دیگر اقتصادی، سرمایه‌گذاری‌هایی با حجم زیاد و تکنولوژی‌های پیشرفته را می‌طلبد و از طرفی، به این دلیل که در آمد حاصل از نفت عموماً در بسیاری از بخش‌های اقتصادی برای جبران نا کارآمدی سیاست‌های اقتصادی هزینه می‌شود، در نتیجه،

نمی‌توان از محل درآمد حاصل از نفت به توسعه صنعت نفت و گاز کشور پرداخت. در ایران سالانه فقط ۱۴/۵ درصد در آمد حاصل از نفت برای توسعه صنعت نفت و گاز به وزارت نفت تعلق می‌گیرد (قانون بودجه کل کشور، ۱۳۹۳) و این میزان برای توسعه صنعت نفت و گاز بسیار محدود است. در نتیجه، کشورهای صادرکننده نفت خام از جمله ایران، عموماً به سمت پذیرش سرمایه‌گذاری‌های خارجی از جمله سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌روند [۷].

۱- اصطلاحات و تعاریف

۱-۱- تعریف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)^۱
از نگاه آنکتاد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت است از: آن نوع سرمایه‌گذاری که متضمن روابط اقتصادی بلندمدت بوده و نشان‌دهنده

*نویسنده‌ی عهده‌دار مکاتبات (sadegh.ranjbar@put.ac.ir)

منافع پایدار و کنترل واحد اقتصادی مقیم یک کشور (شرکت مادر) بر واحد اقتصادی مقیم کشور دیگر (شعبه فرعی بنگاه مادر) باشد [۹].

۱-۲- تعریف سرمایه گذاری پر نفولیو خارجی (FPI)^۲

سرمایه گذاری غیر مستقیم خارجی شامل سرمایه گذاری هایی است که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی به صورت خرید اوراق بهادار یک موسسه و شرکت مالی صورت می گیرد و طی این فرایند، بدون اینکه شخص کنترل بر سرمایه خود داشته باشد، آن را در اختیار کشور میزبان قرار می دهد. این نوع سرمایه گذاری شامل معاملات سهام، اوراق قرضه، سپرده های بانکی و ... است و صرف مالکیت این گونه دارایی ها، برای سرمایه گذار حق دخالت موثر در تصمیم گیری های موسسه را ایجاد نمی کند [۹].

در صنعت نفت، بیع متقابل^۳ و انواع روش های ساخت، بهره برداری و واگذاری (Bot)، در حیطه سرمایه گذاری غیر مستقیم خارجی قرار می گیرند. اما هر یک از ترتیبات فوق خود، به انواع مختلفی تقسیم بندی می شوند؛ به عنوان مثال، می توان به انواع مختلف روش های ساخت، تملیک، بهره برداری و انتقال (BOOT)، ساخت تملیک و بهره برداری ساخت، اجاره و انتقال (BLT)، بازسازی، بهره برداری و انتقال (ROT) و نظایر آن ها و همچنین، ترتیبات تأمین مالی پروژه های و تقسیم سود اشاره نمود. به بیان دیگر، هر نوع سرمایه گذاری که در آن، سرمایه گذار خارجی مایل یا واجد شرایط لازم برای داشتن سهمی از سرمایه و مالکیت شرکت مشترک نباشد، در این طبقه وسیع که با عنوان سرمایه گذاری «غیر مستقیم» شناخته می شود، جامی گیرد [۱۳].

۱-۳- تعریف و اهمیت صنعت نفت

صنعت نفت شامل بخش های اکتشاف^۴، استخراج^۵، پالایش، انتقال^۶ و بازاریابی محصولات نفتی است. وجود نفت و گاز به عنوان تأمین کننده انرژی مورد نیاز برای بسیاری از صنایع، حیاتی است و دنیای صنعتی برای بقای خود به آن وابسته است. بدین ترتیب، نفت دارای اهمیت ویژه ای برای بسیاری از کشورهاست. در سال ۲۰۱۳ سهم نفت از مصرف انرژی اولیه جهانی ۳۳ درصد و سهم گاز طبیعی حدود ۳۰ درصد بوده است (BP, ۲۰۱۴) که این موضوع اهمیت نفت و گاز را در عرصه بین المللی نمایان می کند. دولت هایی

همچون ایالات متحده آمریکا، یارانه های بسیاری به شرکت های نفتی اختصاص می دهند. این یارانه ها معافیت های مالیاتی عمده ای را در مراحل اکتشاف و استخراج نفت از جمله برای هزینه های اجاره ای میدان نفتی و تجهیزات حفاری شامل می گردد. این صنعت با صنایع دیگر تفاوت های اساسی دارد و در واقع، صنعتی استراتژیک و مهم برای دولت هاست که به صورت یک ابزار قدرت استفاده می شود. از جمله نقش های مهم صنعت نفت و گاز یک کشور، تعیین میزان قدرت ملی و اعتبار بین المللی آن کشور است [۱۳].

۲- تحقیقات انجام شده

اکثر مطالعات صورت گرفته در زمینه آثار سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر کشور میزبان (عموماً تأثیر بر رشد اقتصادی) و تحقیقات اندکی نیز در زمینه عوامل موثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی متمرکز بوده اند.

بابتیست (Baptist, ۲۰۰۳) در مقاله ای، ضمن استفاده از شاخص های بانک جهانی، حکمرانی خوب را شامل: حق اظهار نظر و پاسخ گوئی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد دانسته و با استفاده از مدل OLS و برای دوره ای زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۲، معادله زیر را در جهت بررسی اثر حکمرانی بد بر جریان FDI در کشور هائیتی مورد بررسی قرار می دهد:

$$\log(FDI) = \beta_0 + \beta_1 \log(GDP) + \beta_2 \text{openness} + \beta_3 \text{inflation} + \beta_4 \text{Gov} + \beta_5 \text{Polib} + \beta_6 \text{Emb arg} + \beta_7 \text{nature} + ut$$

FDI: میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی

GDP: تولید ناخالص داخلی

Openness: شاخص میزان باز بودن تجاری

Inflation: شاخص عدم ثبات اقتصادی

GOV: شاخص عدم ثبات سیاسی (تعداد

رئیس جمهورهای غیر رسمی در دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۲)

Nature: نوعی از ریسک طبیعی،

Embargo: شوک حاصل از جنگ

Polib: شاخص حکمرانی بد.

او در نهایت به این نتیجه می رسد که رابطه مستقیمی میان حکمرانی بد و میزان اندک FDI در هائیتی وجود دارد. متغیرهای Gov، Polib، Inflation، Embargo، GOV آثار منفی بر جذب FDI داشته و اثر متغیرها مثبت است.

جردن (۲۰۰۵) در رساله ای دکتری خود با عنوان "سرمایه گذاری مستقیم خارجی و تأثیر همسایگان"، این گونه نتیجه گیری می کند که اگر وضعیت آزادی های داخلی و حقوق سیاسی کشورهای همسایه ی کشور پیشرفته بدتر شود، جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور میزبان بیش تر می شود. در حالی که اگر کشور میزبان از نمونه افریقایی باشد، بدتر شدن وضعیت آزادی های داخلی و حقوق سیاسی در کشورهای همسایه، سبب کاهش جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور میزبان خواهد شد.

آندراد سوبسا (۲۰۰۳) در مطالعه ای تحت عنوان "سرمایه گذاری مستقیم خارجی، دموکراسی و توسعه" با تأکید بر نقش سرمایه گذاری مستقیم خارجی و دموکراسی در توسعه اقتصادی، آثار دموکراسی را بر رشد اقتصادی مورد آزمون قرار داده است. در نتیجه، سرمایه گذاری مستقیم خارجی می تواند یک نقش حمایتی برای دموکراسی بازی کند و رشد اقتصادی به مراتب بالاتری را نسبت به سرمایه داخلی به همراه داشته باشد.

سالایی مارتین (۲۰۰۲) در مقاله ای خود تحت عنوان "رشد اقتصادی و سرمایه گذاری در کشورهای عربی" به علل رشد کند اقتصادی این کشورها در دوره ای ۱۹۷۴-۲۰۰۰ می پردازد. وی سه عامل را با توجه به ارقام بسیار بالای سرمایه گذاری در این کشورها (متوسط نرخ سرمایه گذاری ۲۴/۶ درصد) موثر می داند: الف) چالش های بیابانی سیاسی، اجتماعی و نظامی در منطقه، ب) دخالت های بی رویه دولت، حمایت ها و قوانین اضافی محیط کسب و کار که باعث غیر رقابتی و هزینه بردن شدن سرمایه گذاری بخش خصوصی می شود، ج) سرمایه انسانی ناکافی.

اشنایدر و هنری (۱۹۸۵) آثار مخاطرات سیاسی بر سرمایه گذار مستقیم خارجی را با استفاده از ۴ الگو با در نظر گرفتن فقط معیار متغیر سیاسی، فقط متغیر اقتصادی، شاخص ترکیبی از دو متغیر سیاسی و اقتصادی و هر دو گروه متغیرهای سیاسی و اقتصادی بررسی نموده اند. نتایج بررسی آن ها نشان می دهد که بهبود رابطه ی سیاسی بین کشورها، سرمایه گذاری مستقیم خارجی را افزایش می دهد.

۳- دلایل مفید بودن FDI از نگاه آکناد و مقایسه آن با

استقراض خارجی

سرمایه هم از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی و هم از طریق استقراض خارجی منابع مالی به کشور

میزبان وارد می‌شود اما FDI به دلیل نداشتن مشکلات بازپرداخت و همچنین، ثبات بیش‌تر بر استقرای خارجی ترجیح دارد.

۱-۳- تکنولوژی

یکی دیگر از مواردی که باعث جذاب شدن FDI نسبت به استقرای خارجی می‌شود، وارد شدن دانش و تکنولوژی‌های برتر و کارا به کشور میزبان است و این، باعث ایجاد صرفه‌های نسبت به مقیاس در اقتصاد بخش مورد نظر می‌شود و قدرت رقابت‌پذیری را در سطح بین‌المللی افزایش می‌دهد و حتی باعث کاهش در هزینه‌های اولیه و هزینه‌های فرصت می‌گردد. استفاده از تکنولوژی روزآمد در صنعت نفت و گاز در کسب رقابت‌پذیری و سهم بازار نقش بسیار مهمی را بازی می‌کند و با توجه به کمبودهایی که در این بخش احساس می‌شود، اهمیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نمایان می‌شود.

۲-۳- دسترسی به بازار

تصمیم‌گیری در خصوص انتخاب استراتژی‌های ورود به بازارهای بین‌المللی به دو دلیل اصلی کاری پیچیده و مشکل است. اول، به دلیل ماهیت پویا و پیچیده شیوه‌های ورود، و دوم، به علت تاثیرگذاری متغیرهای مختلف بر آن، اما یکی از کم‌هزینه‌ترین راه‌های دسترسی به بازارهای بین‌المللی استفاده از FDI می‌باشد، حضور شرکت‌های چندملیتی بزرگ در کشور می‌تواند باعث ایجاد بازاری بزرگ برای محصولات داخلی شود و استفاده از این روش به دلیل سود بردن از نام شرکت‌های چندملیتی سرمایه‌گذار نه تنها هزینه کمی دارد بلکه سود سرشاری را راهی کشور میزبان می‌کند.

۳-۳- مهارت و فنون مدیریت

حضور مدیرانی توانمند و با دانش برای توسعه هر بخش اقتصادی الزامی است اما به دلیل توجه کمتر به این بخش در کشورهای در حال توسعه و تمرکز بیش‌تر بر روی بخش فنی و صنعتی، ناکارآمدی حاصل از این بخش به شدت بر روی بخش‌های فنی موثر و کاهنده هستند. سرمایه‌گذاری خارجی این امکان را فراهم می‌کند که مدیران داخلی نیز از طریق مدیران خارجی شرکت‌های سرمایه‌گذار با دانش روز مدیریت آشنا شوند و تبادلات علمی و مدیریتی را

گسترش دهند.

۴-۳- محیط زیست

اروپا با در نظر گرفتن اینکه سهم بارزی در توسعه صنایع مدرن دارا می‌باشد، با توجه به اثرات زیان‌بار زیست‌محیطی در دهه ۱۹۸۰ اقدام به تدابیری جهت پیشگیری و یا جلوگیری از این اثرات نمود. در برخی از کشورهای پیشرفته و اکثراً در کشورهای در حال توسعه، به دلیل عدم وجود برنامه‌های مدیریت زیست‌محیطی مشکل حفاظت محیط زیست ابعاد وسیع‌تری به خود گرفته است، اما با توجه به تجربه شرکت‌های بزرگ دنیا در این زمینه و الزاماتی که آن‌ها برای مسئله تغییرات زیست‌محیطی در نظر می‌گیرند، ورود مدیران خارجی و راهکارهای این بخش از طریق FDI می‌تواند سیاست‌ها و اقدامات حفاظت محیط زیست را ارتقا دهد.

۴- عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور میزبان شامل موضوعات متنوعی است که به‌طور کلی مهم‌ترین معیارهای موثر بر جذب FDI را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

الف: معیارهای اقتصادی

- ۱- جذاب بودن محیط سرمایه‌گذاری و تأمین منافع
- ۲- سیاست‌های اقتصادی ۳- هزینه‌های تولید در کشور میزبان ۴- وجود زیرساخت‌های مناسب برای حمل و نقل و ارتباط ۵- تسهیل رقابت و منع انحصار
- ۶- بهبود فضای کسب و کار

ب: معیارهای سیاسی

- ۱- کاهش ریسک حکمرانی ۲- عوامل سیاسی ۳- آزادسازی اقتصادی

ج: معیارهای حقوقی

- ۱- وجود ثبات قوانین و مقررات در کشور میزبان
 - ۲- مقررات زدایی ۳- کاهش پیچیدگی در سیستم مالی یا کاهش بار اداری
- در اینجا، هر یک از موارد بالا تشریح می‌گردد:

۴-۱- معیارهای اقتصادی

۴-۱-۱- جذاب بودن محیط سرمایه‌گذاری و تأمین منافع طرفین
جذابیت محیط تجارت امری نسبی است که بسته به

شرایط صنعت کشور میزبان و همچنین، شرایط صنعت در کشورهای رقیب، مشخص می‌شود. با توجه به رقابتی که در حوزه جذب سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز در کشورهای خاورمیانه شکل گرفته است، هر یک از کشورها با اعمال سیاست‌ها و ایجاد تضمین‌های مختلف، در جهت جذاب‌تر کردن محیط تجارت خود تلاش می‌کنند.

۴-۱-۲- سیاست‌های اقتصادی

هر گاه مجموعه سیاست‌های پولی و سیاست مالی، سیاست ارزی و سیاست‌های ناظر بر مقررات (که شامل اطلاعات رسمی و قابل دسترس، تعیین جهت‌گیری حکومت و جامعه به سمت سرمایه‌های خارجی و محدودیت‌های انتقال سرمایه است)، در راستای ایجاد فضای باز و با ثبات اقتصادی باشد، میزان ریسک سرمایه‌گذاری کاهش خواهد یافت و به تبع آن، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به آن کشور افزایش می‌یابد.

الف: سیاست پولی: از سال ۱۳۷۹ پایه پولی و به تبع آن نقدینگی به شدت افزایش یافته و به تدریج، نرخ رشد آن به صورت فزاینده در حال افزایش بوده است که نشان‌دهنده بی‌ثباتی در سیاست‌های پولی کشور است.

ب: سیاست مالی: اگر کسری یا مازاد بودجه دولت را به عنوان معیار مهمی که نمایانگر وضعیت مالی دولت است در نظر بگیریم، آمارها نشان می‌دهد که از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۸ دولت همواره با کسری تراز پرداخت‌ها مواجه بوده است. این کسری از سال ۱۳۸۰ به بعد به شدت افزایش یافته است.

ج: سیاست ارزی: اگر نرخ دلار را به عنوان مهم‌ترین ارز کشور معیار قرار دهیم، آمار نشان می‌دهد که پول ملی (ریال) همواره در حال کاهش ارزش نسبت به دلار بوده و این کاهش باعث گردیده ریسک سرمایه‌گذاری خارجی در کشور افزایش یابد.

د: سیاست بازرگانی: وجود تعرفه‌های بالا و همچنین، سیستم بسته‌ی تجارت خارجی یکی از محدودیت‌های اصلی در بازرگانی خارجی است. صادرات خارجی کشور همواره بسیار کمتر از میزان واردات بوده که البته، از طریق صادرات نفت و گاز تأمین شده است.

۴-۱-۳- هزینه‌های تولید در کشور میزبان

هر چه هزینه‌های تولید در کشور میزبان کمتر باشد،

فضای بهتری جهت حضور سرمایه گذار خارجی ایجاد می کند. این امر در صنعت نفت و گاز به دلیل گران بودن سرمایه و نیروی کار بسیار اهمیت دارد. عوامل تولید باید در کنار استانداردسازی و افزایش کیفیت محصولات خود، در جهت کاهش هزینه های تولید انواع کالا نیز اقداماتی انجام دهند. در سال های اخیر، هزینه ساخت و اجرای پروژه های صنعت نفت ایران ۳ تا ۴ برابر شده است زیرا به دلیل تحریم ها، مشارکت شرکت های خارجی کاهش نیافته اما به جای شرکت های بزرگ نفت و گاز جهان، شرکت های خارجی در چه چندم در صنعت نفت ایران فعالیت کرده و باعث افزایش هزینه ها شده اند.

۴-۱-۴- وجود زیرساخت های مناسب برای حمل و نقل و ارتباط

تأمین کلیه زیرساخت های مورد نیاز فعالان اقتصادی که بخش خصوصی برای عرضه آن توان یا انگیزه کافی ندارد، وظیفه سخت افزاری دولت در مسیر آماده سازی محیط کسب و کار است. تأمین آب، برق، ارتباطات، بهداشت، حمل و نقل و ... از جمله وظایف سخت افزاری دولت ها به شمار می رود. بدیهی است کسب و کار و سرمایه گذاری در جامعه ای که فاقد استانداردهای لازم در این امور باشد، حتی با فرض وجود قوانین مناسب و امنیت حقوق مالکیت و ثبات سیاسی، چندان جذاب و نتیجه بخش نیست.

۴-۱-۵- تسهیل رقابت و منع انحصار

کارکرد مناسب نهادهای فعال در موضوع رقابت و تنظیم انحصارات نظیر شورای رقابت برای جلوگیری از انجام و اعمال رویه های ضد رقابتی و محدود کردن و تنظیم انحصارات به ویژه انحصارات طبیعی و انحصارات دولتی، می تواند زمینه ساز توسعه هرچه مناسب تر فعالیت های بخش غیردولتی در اقتصاد باشد.

۴-۱-۶- بهبود فضای کسب و کار

شاید کمتر سیاستی در اقتصاد، مانند بهبود فضای کسب و کار نزد دولت مردان و فعالان اقتصادی و پژوهشگران مقبول افتاده باشد. با این وجود توفیق چندانی در ارتقای جایگاه ایران در شاخص های محیط کسب و کار دیده نمی شود. رتبه ایران بر اساس این شاخص، در سال ۱۳۸۴ از میان ۱۵۵ کشور ۱۰۸ و در سال ۱۳۹۱ از میان ۱۸۵ کشور ۱۴۵ اعلام گردیده است. وجود برداشت های مختلف از محیط کسب و کار در ایران، همواره مانعی برای شکل گیری اقدامات

عملی جهت اصلاح این محیط بوده است. آنچه در ادبیات جهانی آن تحت عنوان محیط کسب و کار شناخته شده است اصلاح نظام اداری است. اما در ایران اموری از قبیل سیاست های کلان، اختلال در نظام قیمت ها، تحریم های بین المللی و ... محیط کسب و کار نامیده می شود [۱].

۴-۲-۴- معیارهای سیاسی

۴-۲-۱- کاهش ریسک حکمرانی

سرمایه گذاران باید در مقابل خطر سلب مالکیت از سوی دولت تضمین بگیرند. برای اینکه سرمایه گذاران احساس و باور نمایند که در مقابل خطر ملی شدن حمایت می شوند، لازم است تغییرات قانونی و ساختاری در نظام اقتصادی و بعضاً سیاسی کشور میزان صورت پذیرد.

مسئله سلب مالکیت از سرمایه گذاران خارجی یکی از موضوعات مهم و مورد بحث در دعاوی بین المللی نفت و گاز است؛ دولت میزبان با هدف صیانت از منافع ملی و منابع طبیعی کشور که غالباً با شعار ملی کردن بخشی از اقتصاد کشور همراه است، اقدام به سلب مالکیت از شرکت های خارجی می نماید و معمولاً با انقلاب های مردمی نیز پایدار می گردد. دولت ها با ایجاد محدودیت در ادامه روند سرمایه گذاری، زمینه مداخله غیر مجاز در فعالیت های سرمایه گذار خارجی را ایجاد می نمایند که نتیجه ای این اقدامات عملاً سرمایه گذار را از حق مالکانه اش محروم می سازد.

۴-۲-۲- عوامل سیاسی

برخی از کشورها دچار تغییرات بیش از حد و غیرمنتظره سیاست ها و در نتیجه، تغییرات بیایی و غیر قابل پیش بینی قوانین، مقررات و دستورالعمل ها هستند. حضور چنین پدیده ای در یک کشور، مترادف با غیر قابل اعتماد بودن محیط کسب و کار در آن است. برعکس، ثبات نسبی و طول عمر معقول سیاست ها و قوانین منبث از آن ها در یک اقتصاد قانونمند و قابل پیش بینی بودن تغییرات در سیاست ها و قوانین، با ایجاد نوعی آرامش خاطر برای کارگزاران اقتصادی، این احساس را در آنان تقویت می کند که در محیطی «امن» و «پیش بینی پذیر» قرار دارند. در چنین محیطی:

* تغییرات غیرمنتظره سیاست ها و قوانین اندک است (no policy surprise)؛

* کارگزاران «مطمئن» هستند که دولت به سیاست ها و قوانینی که خود وضع و اعلام کرده است، پایبند خواهد ماند (credibility of announcements)؛

* هرگونه تغییر در سیاست ها و قوانین، به سرعت به ذی نفعان اطلاع رسانی می شود و مهم تر از آن، کارگزاران اقتصادی در فرایند ایجاد تغییرات در سیاست ها و قوانین، مشارکت داده می شوند (information and participation).

نخستین بار، آیمو برونتی، گرگوری کیسانکو و بیتریس ودر، محققان بانک جهانی، در سال های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ با طراحی شاخصی برای اندازه گیری «قابلیت اعتماد به قوانین» و محاسبه آن در بیش از هفتاد کشور، نشان دادند که کشورهایی که قوانین در آن ها کمتر قابل اعتماد است، سرمایه گذاری و رشد کمتری را تجربه می کنند.

۴-۲-۳- آزادسازی اقتصادی

آزادسازی اقتصادی بخشی از سیاست های تعدیل ساختاری است که شامل مجموعه ای از اقدامات به منظور کاهش مداخله دولت در بازارهای مالی، کالاها و خدمات، کار و بخش خارجی و نهایتاً واگذاری آن به مکانیزم بازار می باشد. اهم این اقدامات عبارتند از:

۱- کاهش مداخلات دولت در بازارهای مالی،
۲- کاهش کنترل های قیمتی و واگذاری تعیین قیمت به نیروهای عرضه و تقاضای بازار،
۳- حذف یارانه ها و تعدیل قیمت های یارانه ای،
۴- گرایش به نظام ارزی شناور،
۵- آزادسازی تجارت خارجی و تعدیل انواع تعرفه های تجاری و محدودیت های مقدری،
۶- آزاد سازی نرخ سود پرداختی به سپرده های بانکی و
۷- آزادسازی نرخ سود پرداختی به سپرده های بانکی

نکته قابل توجه در بحث آزادسازی اقتصادی این است که آزادسازی اقتصادی با راهسازی اقتصادی متفاوت است و لازم است با فرآیند تعریف شده ای به سمت آزادسازی اقتصاد حرکت کرد. بنابراین، با جمع بندی مفاهیم ارائه شده در خصوص آزادسازی اقتصادی، به نظر می رسد جوهره اصلی سیاست های آزادسازی اقتصاد، حرکت به سوی اقتصاد بازار و رهایی از اقتصاد دولتی و متمرکز باشد.

۴-۳-۴- معیارهای حقوقی

دوره ی پس از استعمار، قواعد حمایت از سرمایه گذاری در نتیجه انتقادات هماهنگ کشورهای در حال توسعه از قواعد مورد حمایت کشورهای توسعه یافته، به طور قابل توجهی گسترش یافت. نظام های قراردادی که مبنای سرمایه گذاری خارجی بود، جای خود را به نظام کنترل ملی داد. قواعد مربوط به مسئولیت دولت و معیارهای رفتار با بیگانگان از

سوی کشورهای در حال توسعه مورد انتقاد واقع شد. قاعده جبران خسارت فوری، کافی و موثر در سلب مالکیت از بیگانگان، جای خود را به جبران خسارت مناسب داده و به‌طور کلی، دکترین حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی، تعیین سرنوشت اقتصادی و کنترل ملی بر کلیه فعالیت‌های اقتصادی در سرتاسر جهان پذیرفته شد. هر یک از تحولات یاد شده، به‌تنهایی کافی است تا هر شرکت سرمایه‌گذار خارجی را از ورود به عرصه سرمایه‌گذاری کشورهای در حال توسعه منصرف کند. از سال ۱۳۳۴، چارچوب قانونی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی بوده است. در راستای انجام اصلاحات در ساختار اقتصادی کشور، مجلس ایران طرح قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی با عنوان قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی را پیشنهاد نمود که نهایتاً در سال ۱۳۸۱ به تصویب رسید. قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی جانشین قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی شد که از سال ۱۳۳۴ حاکم بود. این جایگزینی، موجب توسعه چارچوب قانونی و محیط فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی در ایران گردیده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲).

۴-۳-۱- وجود ثبات در کشور میزبان

زمانی که سرمایه‌گذاران و کل فعالان اقتصادی خرد و کلان نتوانند برای سودهای ثابت خود برنامه‌ریزی کنند و نسبت به آن اطمینان داشته باشند، به سمت بازارهایی می‌روند که کم‌ریسک‌تر است و برگشت سرمایه ساده‌تری دارد. زمانی که دولت، قوانین اقتصادی-سیاسی را نقض می‌کند و به‌صورت

روزمره قوانینی وضع می‌شود، فعالان توان پیش‌بینی خود را از دست می‌دهند. در چنین شرایطی، نااطمینانی زیاد می‌شود و حرکت به سوی فضای بی‌قانونی آغاز می‌گردد. این فضا هم چیزی جز دلالتی و سفته‌بازی نیست. بدیهی است که در دلالتی حاکم نبوده و قوانین به‌صورت خودانگیخته و شخصی وضع می‌شود و کسی توان کنترل اوضاع را نخواهد داشت.

۴-۳-۲- مقررات زدایی

رقابتی کردن بازارها و رفع محدودیت از بخش‌های غیردولتی برای انجام هر نوع فعالیت اقتصادی مجاز و در قلمرو قوانین، از جمله موضوعات مرتبط با مقوله آزادسازی است که از الزامات انجام خصوصی‌سازی موفق محسوب می‌شود. حمایت یکسان از تمامی فعالان اقتصادی در یک بازار، تثبیت تصمیمات، تعمیم امتیازات به‌صورت یکسان و لغو هر گونه امتیازات نابرابر و به‌ویژه تدوین مقررات لازم برای توانمندسازی بخش‌های غیردولتی در فرایند گذار، از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با مقررات زدایی است.

نتیجه‌گیری

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقشی کلیدی در اقتصاد هر کشور ایفا می‌کند. این موضوع در صنعت نفت و گاز به‌دلیل نیاز به فناوری بالا و مهارت‌های مدیریتی، اهمیت بیش‌تری می‌یابد. در این مقاله، ابتدا علت اهمیت FDI از نگاه سازمان‌های بین‌المللی شرح داده شد. سپس، عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سه دسته تقسیم‌بندی شدند و هر کدام از معیارها

با توجه به عواملی که از آن‌ها مشتق شده، مورد بررسی قرار گرفتند. در زیر گروه معیارهای اقتصادی، جذاب بودن محیط سرمایه‌گذاری و تأمین منافع طرفین، سیاست‌های اقتصادی، هزینه‌های تولید در کشور میزبان، وجود زیرساخت‌های مناسب برای حمل و نقل و ارتباط، تسهیل رقابت و منع انحصار، بهبود فضای کسب و کار بررسی شد. در بخش سیاسی: کاهش ریسک حکمرانی، عوامل سیاسی و آزادسازی اقتصادی و در بخش حقوقی: وجود ثبات در کشور میزبان، مقررات زدایی، کاهش پیچیدگی در سیستم مالی یا کاهش بار اداری مورد بررسی قرار گرفت. سرمایه‌گذاری خارجی روشی مفید و سودمند برای رشد و توسعه صنعت نفت و گاز کشور است اما به‌دلیل محدودیت‌ها و موانع اقتصادی، سیاسی و حقوقی مطرح شده، باعث شده است که استفاده مناسب از این ابزار صورت نگیرد. با توجه به زیربخش‌ها و همچنین، شرایط لازم جهت سرمایه‌های خارجی مطرح شده، پیشنهاد می‌شود با حرکت به سمت ارتقای عوامل ذکر شده، خلاء ناشی از کمبود سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای صنعت نفت و گاز کشور جبران شود. در ایران به‌دلیل مسائل مالکیتی و اینکه نفت و گاز جزو انفال محسوب می‌شود، در بخش بالادستی با محدودیت‌هایی مواجه هستیم و امکان واگذاری مالکیت میادین و تأسیسات مربوطه وجود ندارد. این امر محدودیت و مانع جدی برای FDI در بالادستی نفت و گاز ایجاد نموده است. اما در بخش پایین‌دستی و بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، امکان گسترش استفاده از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود دارد.

پانویس‌ها

¹ Foreign Direct Investment

² Foreign Portfolio Investment

³ Buy Back

⁴ Exploration

⁵ Extraction

⁶ Refinement

منابع

- [1] میدری، احمد، (۱۳۹۲)، علل ایستایی رتبه ایران در شاخص‌های انجام کسب و کار و راهکارهای بهبود آن.
- [2] داوودی، پرویز، (۱۳۸۳)، بازشناسی عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۰.
- [3] شاکری، عباس، (۱۳۸۹)، "نظریه و سیاست‌های اقتصاد کلان"، انتشارات رافع
- [4] Africano, A. P., and Magalhaes, M., 2005, "FDI and Trade in Portugal: A Gravity Analysis", FEP Working Papers 174.
- [5] Moosa, I., 2002, "On the Determinants of FDI: Evidence from East and Southeast Asia", World Development, No. 21, PP. 391406. Moosa, I., 2002, "Foreign Direct Investment, Theory, Evidence and Practice", London, Palgrave.
- [6] Agrawal, J.P. (1980) Determinants of FDI: a survey; Welt wirtschaftliches Archive, Vol. 116, PP. 739 – 773.
- [7] Johnston, Daniel (2003), "International Exploration Economics, Risk and Contract Analysis" Pennwell
- [8] Globerman, S., and Shapiro, D. (1999) The Impact of Government Policies on Foreign Direct Investment", Journal of International Business Studies 30, 3, PP. 513- 532.
- [9] UNCTAD (2012) World Investment Report;
- [10] Herman, N. and Leansink R. Financial Development, FDI and Economic Growth (1999).
- [11] Goldberg, L. and Klein M.W. (Foreign Direct Investment, Trade and Real Exchange Rate Linkages in Southeast Asia and Latin America", NBER Working Paper (6344), (1997).
- [12] Vahter, P. & Masso, J., (2005), "Home versus Host Country Effects of FDI: Searching for New Evidence of Productivity Spillovers", Working Papers of FestiPank, No. 13
- [13] World oil outlook (2013), opec